



ولی الله الاعظم، پیامبر اکرم (ص) چه می گفت؟

الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لو لا ان هدانا الله و صلى الله على جميع الانبياء و المرسلين سيما خاتمهم و افضلهم محمد و اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله ارواح من سواه فداه بهم تتولى و من اعدائهم نتبرى الى الله.

آیت الله جوادی آملی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لو لا ان هدانا الله و صلى الله على جميع الانبياء و المرسلين سيما خاتمهم و افضلهم محمد و اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله ارواح من سواه فداه بهم تتولى و من اعدائهم نتبرى الى الله.

سالگرد ارتحال رسول اکرم و شهادت سبط اکبرش امام مجتبی (سلام الله علیهما) است رسالت و امامت چهره ارتباط انسان کامل و جهان است و ولایت چهره ارتباط انسان کامل به خداست لذا جامع بین رسالت نبی اکرم و امامت امام مجتبی (سلام الله علیهما) همان جنبه ولایت آنهاست گاهی به زبان ولایت با ما سخن می‌گویند و زمانی با زبان رسالت حرف می‌زنند وقتی با زبان ولایت سخن می‌گویند می‌بینیم سخن از اتحاد نیست که وحدت است می‌گویند «حسین منی و انا من حسین« این بیان مخصوص سالار شهیدان (سلام الله علیه) نیست درباره امیرالمومنین (سلام الله علیه) هم آمده است که نبی اکرم فرمود: «على منى و انا من على« فرازهای نورانی زیارت جامعه که از برجسته‌ترین زیارت‌های مستند ماست این چنین آمده است که ارواح اهل بیت و انوار اهل بیت یکی است و این ذوات مطهره کلمه واحده‌اند گاهی با زبان رسالت با ما سخن می‌گویند می‌فرماید «انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى« آنجا که سخن از کثرت است با زبان رسالت و امامت سخن می‌گویند آنجا که سخن از وحدت است با زبان ولایت حرف می‌زنند و جامع بین رسالت و امامت همان ولایت انسان کامل است که گاهی به صورت رسالت رسول اکرم جلوه می‌کند و زمانی به صورت امامت امام مجتبی تجلی دارد اصل رسالت این ذات مقدس و خلافت خلفایش در زبان و نیایش انبیای گذشته عموماً و ابراهیم خلیل (سلام الله علیهم اجمعین) خصوصاً آمده است که در دعاهايش به خدا عرض کرد پروردگارا فرمان ساختن کعبه را صادر کردی و این مطاف مسلمین و قبله بندگان تو به دست معماری چون من و دستیاری چون اسماعیل بنا نهاده شد ولی کعبه بدون رهبر سودمند نیست وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ

پروردگارا برای اینکه قبله بندگان و مطاف عابدان و عاکفان از لوث هر ستمگری پاک باشد پیامبری از بین اینها برانگیز که آیات تو را بر مردم تلاوت کند مردم را عالم و آگاه کند مردم را به نزاهت روح آشنا کند دلهای اینها را تزکیه و تهذیب کند به پاس احترام به دعای ابراهیم خلیل (سلام الله علیه) خدای سبحان رسول اکرم را مبعوث کرد که نبی اکرم طبق این نقل فرمود: «انا دعوت ابی ابراهیم« یعنی بعثت من عصاره دعای پدرم ابراهیم خلیل است دعای جدم با رسالت من مستجاب شد و نشانه استجاب دعا هم در سوره مبارکه جمعه آمده است هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ یعنی خدای سبحان در بین مکتب نرفته‌ها انسان مکتب نرفته‌ای را برگزید که آیات الهی را بر مردم تلاوت کند اولاً آنها را به نزاهت روح آشنا کند ثانیاً و کتاب و حکمت را فرا سوی آنها نصب کند ثالثاً همان دعای ابراهیم به عنوان برنامه رسالت رسول اکرم تنظیم شد با این تفاوت که در دعای ابراهیم تعلیم قبل از تزکیه آمده است و در اجابت ذات اقدس الهی تزکیه قبل از تعلیم ذکر شد سرّ این تفاوت آن است که تزکیه مقدم بر تعلیم است و تعلیم مقدمه تزکیه گاهی با دید مقدمه تعلیم قبل از تزکیه یاد می‌شود مانند نیایش ابراهیم گاهی تزکیه قبل از تعلیم ذکر می‌شود چون مقدم است و هدف است مانند اجابت دعای ذات اقدس اله اما بیان قرآن کریم این است مردمی که اهل تلاوت نیستند در ضلال مبین‌اند آنها که با قرآن مانوسند اهل تلاوت قرآنند ولی از معانی بلند قرآن بی‌خبرند در ضلال مبین‌اند آنها که عالم تفسیر گویند و در علم نمی‌کوشند به تزکیه بار نیافته‌اند در ضلال مبین‌اند مجموع این سه امر هدف رسالت نبی اکرم است فرمود: وَ إِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ در صدر آیه فرمود جامعه بشری منهای وحی و رسالت از نظر عقل نظری امی است و در ذیل آیه فرمود از نظر عمل در ضلال مبین‌اند انبیا عموماً و خاتم انبیا (علیهم السلام) خصوصاً آمده‌اند که هم آن امیت را به علم تبدیل کنند هم این ضلال مبین را به تطهیر و تزکیه و تهذیب نفس مبدل سازند هم يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ است تا امیت برطرف شود مردم آگاه شوند هم يُزَكِّيهِمْ هست تا ضلالت به هدایت مبدل شود قرآن کریم از لبه عربی مبین تا تَلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ حبل الله است آنچه که در چهره کتابهاست قرآن است و آنچه در ام الكتاب است قرآن است و این فواصل دور را قرآن پر کرده است

وقتی در لبه آیه قرار می‌گیریم این چنین برداشت می‌کنیم که خدا در بین امیین حجاز پیامبر فرستاد در بین مکتب نرفته‌های حجاز

رسولی را مبعوث کرد وقتی جلوتر می‌رویم با کریمه **إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** انس پیدا می‌کنیم معلوم می‌شود سخن از عربهای حجاز نیست سخن از تمام عرب زبانهاست و ما **أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا يَلْسَان قَوْمِهِ** در این مرحله دوم امیین بازتر می‌شوند همه عرب زبانان عالم می‌اند و این نگار به مکتب نرفته معلم است در بخش سوم و مرحله سوم وقتی به کریمه و ما **أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** می‌رسیم یا به کریمه ما **أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ مِی‌رسیم** یا به آیه مبارکه **تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا** می‌رسیم می‌بینیم قلمرو رسالت نبی اکرم همه منطقه بشر نشین را پر کرد آن‌گاه سراسر جوامع بشر می‌اند و این نگار به مکتب نرفته معلم است گرچه در بین جوامع انسانی علما و فرزندگان فراوانی هستند نوابغ بشری چون مرحوم بوعلی و خواجه‌ها هستند اما مرحوم شیخ الرئیس نسبت به علمای امامیه حکیم است در پیشگاه نبی اکرم می‌اند است خواجه طوسی در برابر مکتبهای عادی عقل هادی عشر است ولی در پیشگاه وحی سمعی می‌اند است همه فرزندگان بشری گرچه نسبت به یکدیگر تفاوت و تمایزی داشته و دارند اما وقتی به وحی الهی سنجیده می‌شوند همه و همه می‌اند آن‌گاه **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا** در این مرحله سوم معنای بازتری را تفهیم می‌کند وقتی از این مرحله سوم گذشتیم وارد بخش چهارم شدیم می‌بینیم خدای سبحان رسول اکرم را تنها برای رهبری جوامع بشری نفرستاد تا آنجا که سخن از اندیشه و فکر است رسالت داد خواه برای انسان خواه جن این خطاب **فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** خطاب به جن و انس است این تحدی عمومی سوره اسرا تحدی نسبت به جن و انس است **قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا** فرمود جن و انس به این تحدی و به این مبارزه دعوت شده‌اند و مقدور احدی نیست نه از جن و نه از انس کتابی همتای قرآن بیاورند و برای اینکه از شیطنت جنی‌ها بکاهند و از شیطنت شیطاین کاهش دهد در این بخش از قرآن می‌خوانیم وقتی رسول اکرم به رسالت بار یافت در آسمانها هم اثر تازه‌ای پیدا شد که **وَ أَتَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مِثْلَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شَهَبًا** مسئولین آسمان می‌گفتند با رسالت نبی اکرم جلوی نفوذ شیطاین بسته شد شیطنت راهی به معارف غیبی ندارد راه شیطنت شیطاین مسدود شد و مانند آن در این بخش چهارم می‌فهمیم **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا** یعنی سراسر اندیشمندان خواه از جن خواه از انس همه می‌اند و رسول اکرم (علیه آلاف التحية و الثناء) معلم است گرچه برای جن اندیشه هست اما تا سطح تخیل و توهّم از این مرحله که وارد مرحله پنجم می‌شویم می‌بینیم در سطح فرشتگان ملائکه آسمان آنها هم از شعاع رسالت رسول اکرم بهره می‌برند و شاگرد این مکتبند و اگر جریان تعلیم اسماء مطرح است و اگر آدم به عنوان معلم فرشتگان معرفی شد آن شخصی است و نمونه‌ای است از انسان کامل که کاملترین انسانها وجود مبارک نبی اکرم (علیه آلاف التحية و الکرّم) است

اگر آدم معلم فرشته‌هاست به پاس ولایتی است که در همان محدوده ولایت ولی الله الاعظم وجود مبارک رسول اکرم است پس انسان کامل هم معلم فرشته‌هاست هم معلم انسانها در این بخش پنجم می‌فهمیم **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا** معنای بازتری دارد شاگرد در پیشگاه معلم می‌اند است گرچه خود عالم باشد آن مقداری که نخوانده و نمی‌داند می‌اند است آن مقداری که نمی‌داند باید فرا بگیرد آن مقداری که نمی‌بیند باید بنگرد هم در بخش علم می‌اند هم در بخش نزاهت روح و عمل می‌اند بنابراین وجود مبارک نبی اکرم از آسمان تا زمین از زمین تا آسمان معلم می‌هاست و اگر فرشتگان مدبران امرند و این مدبران امیین مکتب نبی اکرمند و راه تدبیر را از معلمشان فرا می‌گیرند آن‌گاه صحیح است که بگوییم **171#& بیمنه رزق الراء**; آن‌گاه رواست که فراهای زیارت جامعه را بخوانیم و بگوییم شما مجرای فیض خالقیتید هیچ فیضی در پهنه آسمان یا در سینه زمین ظهور نمی‌کند مگر به وساطت انسان کامل که گاهی به صورت رسالت رسول اکرم جلوه می‌کند و زمانی به صورت امامت امام مجتبی و دیگر امامان (علیهم آلاف التحية و الثناء) و اگر خدای سبحان در بین امیین بشر رسولی مبعوث کرد و همگان را به علم و عمل دعوت کرد به عده‌ای هشدار داد فرمود شما باید که از مکتب این معلم امیین بهره می‌برید و بار وحی و رسالت به دوش شماست گرچه پیامبر جهانی است و دعوتش جهان شمول اما آنها که در کنار سفره رسالت می‌آرمد گروه کم‌اند **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ** منت آن نعمت سنگین است فرمود من بر همه منت نهادم من پیامبر جهانی را اعزام کرده‌ام اما این بار سنگین مکتبش را مؤمنان راستین به دوش می‌کشند منت آن نعمت وزین است خدای سبحان آسمان و زمین را نعمت می‌داند ولی منت نمی‌داند آب و هوا را نعمت می‌داند **أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً** ولی منت نمی‌داند این نعمت آب و هوا برای گیاهان هضمش میسر است برای حیوانات هضمش مقدور است برای انسانهای عادی تحملش و بهره‌برداری‌اش میسر است

اما نعمت وحی و رسالت مثل آب و هوا یا شمس و قمر نیست فهمیدن وحی و رسالت آسان نیست عمل به وظیفه‌ای که انبیا آورده‌اند کار آسانی نیست ایمان راسخ می‌طلبد این بار امانت است که حملش میسر آسمانها نیست مقدور سلسله جبال نیست میسر سینه پهن زمین نیست فرمود: **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ** آشنایی با قرآن منت است فهمیدن اسرار قرآن منت است تهذیب روح و تزکیه دل منت است که مؤمنان راستین این بار را به دوش می‌کشند **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ اَمَّا مَومنانی که این بار وحی و رسالت را به دوش می‌کشند کیانند آیا صرف اعتقاد به خدا و قیامت کافی است آیا صرف نماز و روزه کافی است آیا صرف حج و زکات کافی است یا مهمترین بخش نعمت و منت مهمترین وظیفه مؤمنان در بردن بار وحی و رسالت حضور در مجامع عمومی است وقتی خدای سبحان مؤمنان راستین را معرفی می‌کند می‌فرماید **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ** **إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُوكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ** فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيَعُضَ شَأْنُهُمْ فَأَذَنُ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ** فرمود مؤمنان راستین آنها که شاگرد این مکتبند آنها که حاملان وحی و رسالتند آنها که این بار امانت را به دوش می‌کشند آنها که حامل محصول ثقلین‌اند کسانی‌اند که اولاً به خدا و نبی اکرم مؤمن و معتقد باشند و ثانیاً در کارهای عمومی و اجتماعی صحنه را ترک

نکنند آنجا که پیغمبر حاضر است با او باشند در امر جامع در امر عمومی در امر همگانی که به رهبری رسالت رسول اکرم تاسیس می‌شود آن مجامع عمومی را ترک نکنند جنگ از مهمترین مسائلی است که به عنوان امر جامع است انتخابات جزء مهمترین مسائلی است جزء امر جامع است همه‌پرسی برای تحکیم نظام مذهب و دین جزء امر جامع است تظاهرات علیه آل سعود جزء امر جامع است شرکت در حماسه‌سازی حماسه‌سازان عاشورا جزء امر جامع است حضور در مراسم عزاداری اهل بیت جزء امر جامع است فرمود مؤمنان راستین کسانی‌اند که در امر عمومی پیغمبر را تنها نگذارند آنکه در نماز فردی فردی حاضر است آنکه روزه را فردی می‌گیرد حج را فردی می‌رود زکات را فردی می‌پردازد به عبادات فردی موفق است ولی در امر عمومی بار ندارد او مؤمن نیست وقتی مؤمن نشد بار رسالت بر دوش او نیست وقتی حامل بار رسالت نشد ره توشه ندارد فرمود رسول من اگر من منت نهادم این بار را به دوش مردان بالیمان سپرده‌ام شرایط بار برداری را هم مشخص کرده‌ام گفتیم إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا عَلَىٰ أَمرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا جريان حنظله غسل الملائكة ... تا قرآن هست معاند دارد و تا عترت هست منافق دارد و همواره دین حاضر در صحنه است آن کس که در صحنه با دین هماهنگ و همسان نیست مؤمن نیست او بار رسالت را به مقصد نمی‌رساند فرمود رسول من آنها که در امر جامع تو را تنها نمی‌گذارند مؤمن‌اند آنها که اگر کاری داشتند با اذن تو حرکت می‌کنند مؤمن‌اند اگر نیازی داشتند استیذان قبلی مصحح رفتن آنهاست مؤمن‌اند آنها از تو اجازه می‌گیرند برای اهمیت حضور در صحنه در همین کریمه چند جا مطلب را به زبان گوناگون بیان کرد در صدرش بیان کرد در ساقه آیه بیان کرد در وسط آیه بیان کرد فرمود: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا عَلَىٰ أَمرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا این یک، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ بَارِئِينَ مِنَ الشِّرْكِ وَالنَّفَثِ الَّذِينَ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ مِنْ أَمرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا فَاذْنُكَ بِذَلِكَ اللَّهُ يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ یعنی آنها که معذورند باید به تو اعلام کنند عذر را با تو در میان بگذارند تا دیگران بفهمند آنها معذور بودند و جبهه نرفتند آنها معذور بودند در تظاهرات و انتخابات شرکت نکردند آن که مریض است بگوید من مریضم اذن بگیرد و برود آنکه معلول است استیذان کند و نباید تا جای خالی او سؤال تولید نکند آن‌گاه به رسول اکرم فرمود آنها که معذورند و در جنگ شرکت نمی‌کنند آنها که معذورند در تظاهرات علیه آل سعود حضور پیدا نکرده‌اند آنها که معذورند و در جريان حماسه علیه بیگانگان خلیج شرکت نکرده‌اند چون فیضی از آنها فوت شد برای آنها استغفار کن وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ یعنی آنها فیضی را از دست دادند گرچه با اذن رفته‌اند گرچه معذور بوده‌اند اما فیض فراوانی از دستشان رخت بر بست برای ترمیم آن فیض از دست رفته استغفار کن وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ خدای سبحان گاهی ارزش شهادت را فوز عظیم می‌داند

این ارزش نفسی است به شهید می‌گوید تو اگر جان دادی و بهشت خریدی طوبی لک و حسن مآب گاهی به شهید می‌گوید این فوز عظیم است إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ گاهی به رزمنده می‌گوید جنگ کردن مایه بهشت رفتن است گاهی به شهید می‌گوید شهادت مایه بهشتی شدن است و مانند آن گاهی به جنگنده می‌گوید تو رحمتی گاهی به یک نیروی اعزامی می‌گوید تو رأفتی در اینجا خدا نفرمود آنکه جان داد به فوز عظیم می‌رسد به فضل عظیم می‌رسد نظیر آیات دیگر سخن نگفت آن آیات دیگر برای بررسی خود جنگ است برای بررسی شهادت خود شهید است اما این آیه برای برقراری نظم جوامع بشری است خدا فرمود این چنین نیست که من تماشاگر فساد مفسدان باشم فقط آنها را به جهنم بترسانم آنها که أَلَدُ الْخِصَامِ آنها که موعظه در آنها اثر نمی‌کند اگر من بگویم لَيْسَ الْمَهَادُ در آنها مؤثر نیست اگر بگویم مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ در آنها مؤثر نیست زیرا فرمان تقوا به انسانی که عزیز بی‌جهت است مؤثر نیست خود قرآن فرمود دستور تقوا در اینجا اثر نمی‌کند و اگر فرمود: مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمَهَادُ به منظور موعظه نیست زیرا گروه مفسد که موعظه ناپذیر است با این کریمه فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمَهَادُ پوزخند می‌زند این آیه را استهزاء می‌کند در اینجا فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمَهَادُ یک تهدید اخروی است اما تهدید دنیایی‌اش این است وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ یعنی اگر آل سعود حرم مطهر خدا و حرم مطهر رسولش را به اسارت گرفته است و موعظه در او اثر نمی‌گذارد و آن جمعه خونین را در تاریخ به عنوان لکه ننگ بر دامن وهابیت برای همیشه ثبت می‌کند این چنین نیست که خدای سبحان به تظاهرات بسنده کند به برگزاری مجالس سوگ و ماتم اکتفا کند به گرامیداشت خاطره گرانبار شهدای جمعه خونین بسنده کند و بس می‌گوید وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ و این آیه است مشمول رحمت خداست اینکه می‌بینید هر روز از یک استان حماسه‌سازان علیه بیگانگان خلیج می‌کوشند مشمول این آیه‌اند خدای رؤوف دلهای رزمندگان را مشتاق شهادت می‌کند اولاً دلهای خاندان معظم شهدا اسرا مفقودین را تسلی می‌بخشد ثانیاً هم در آن رفتن هم در این بازگشت مقلب القلوب دلهای را در اختیار دارد ثالثاً تا جوامع بشری را از تکرار خاطره جمعه خونین برهاند به عنوان نتیجه تا خلیج و امثال خلیج را از نامهای استکبار جهانی امن و آرام کند به عنوان نتیجه اگر پیغمبر نبی رحمت است رحمتش را جبهه‌رونده‌ها رحمتش را کمک کنندگان به جبهه رحمتش را رزم‌آوران ما رحمتش را خاندان گرانقدر شهدا و اسرا و مفقودین به ما ارائه داده‌اند خدا یک وقت می‌گوید شهادت فوز عظیم است یک وقت می‌گوید رحمت به جامعه است وقتی فرمود: وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ یعنی خدای مهربان همچنان جوامع بشری را زیر پوشش رحمت خاصه خویش حفظ می‌کند

ما اگر خواستیم جزء مؤمنان راستیم باشیم و بار وحی و رسالت را به دوش بکشیم باید ببینیم ولی الله رسول اکرم چه گفت و آن ولی الله سبط اکبرش امام ممتحن چه گفت و سایر امامان که عدل قرآن کریمند (علیهما آلاف التحية و الثناء) چه گفتند نبی اکرم به ما فرمود: لا یومن العبد او لا یكون العبد مومنا حتی اکون احبا الیه من نفسه و تكون عترتی احب الیه من عترته و یکون اهلی احب الیه من اهله و تكون ذاتی احب الیه من ذاته؛ فرمود انسان وقتی مؤمن است که به من بیش از جان خود علاقمند باشد به عترت من بیش از عترت خود دلبند باشد به خاندان من بیش از اعضای خاندانش علاقمند باشد آنکه خود را بهتر از من

دوست دارد مؤمن نیست آنکه می‌بیند دین من در خطر است به حفظ جان خود مشغول است مؤمن نیست این سخن رسول اکرم تفسیر و ترجمه قرآن کریم است خدای سبحان به ما فرمود: مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يُرْعَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ فَرَمُودَ نَه تَنهَا مَرْدَمَ مَدِينَه بَلَكَه اطراف مدینه احدی حق ندارد وقتی ببیند رسول خدا در خطر است خود را حفظ کند و پیامبر را به کام خطر بفرستد منظور شخص نبی اکرم نیست چون إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ منظور شخصیت رسول اکرم است منظور قرآن و عترت است منظور دین نبی اکرم است فرمود وقتی دیدید دین در خطر است احدی حق ندارد خود را محترمترا از دین بداند بگوید من محفوظ باشم دین به کام خطر بیفتد مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يُرْعَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ آن‌گاه دلیل این سخن را ذکر می‌کند می‌گوید شما پیغمبر را شناختید اگر پیغمبر را می‌شناختید و دین شناس بودید خود را فدای دین می‌کردید

همان طوری که با قوای تحریکی از نیروی ادراکیتان حمایت می‌کنید یعنی با دستتان از چشمتان حمایت می‌کنید و با قوای نازله از عقلتان حمایت می‌کنید و تمام مال و قوای مادون را فدای عقل می‌کنید که مبدا عقلتان را از دست بدهید و دیوانه شوید این عقلتان را هم فدای نثار و فدای آن عقل کل کنید چون شما به پیغمبر می‌رسید او از شما جدا نیست او از شما فاصله ندارد شما چیزی را از کف نمی‌دهید نگویید جان نثاریم بگوئید جسمی را نثار کردیم تا به جان و جانان برسیم کسی جان را نثار نمی‌کند کسی روح را فدا نمی‌کند فقط این بدن خاکی که می‌پوسد آن را فدای روح برتر می‌کند وقتی به امام مجتبی گفتند چرا با معاویه صلح کردی و ساختی فرمود این سوزش بود که شما تحمیل کردید و نه سازش؛ 171؛ کنتم فی مسیرکم ایام صفین اصبحتم و دینکم تمام دنیاکم والیوم اصبحتم و دنیاکم امام دینکم؛ فرمود در جنگ صفین پرچم به دست من بود در صحنه جمل جبهه را حسن اداره می‌کرد در صحنه نبرد با خوارج حسنین پرچمدار بودند من در جنگ جمل آنچنان به دل ستمکاران جنگ زدم که پدرم گفت نگذارید حسن به قلب سپاه برود این سخن را در نهج البلاغه قرائت می‌کنیم که؛ 171؛ أَمَلِكُوا عَنِّي هَذَا الْعَلَامَ، فَإِنِّي أَنَفَسُ بِهِمَا يَعْزِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ لِيَلَّا يَنْقَطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ؛ فرمود شما شجاعتم را در جمل دیده‌اید سخن پدرم را شنیده‌اید که علی فرمان داد فرمود جلوی حسنین را بگیرید نگذارید او متهورانه به قلب دشمن بزند زیرا حسن یک جنگنده عادی نیست حسنین یک رزمنده عادی نیست در همه روی زمین به عظمت حسنین پیدا نمی‌شود اینها اگر شربت شهادت بنوشند نسل رسول اکرم قطع می‌شود پسرم ابن حنفیه اگر کشته شد خلافت را دیگری پر می‌کند اما حسن اگر رحلت کرد خلافتش پر شدنی نیست حسنین اگر شهید بشود آن خلاء پر نخواهد شد؛ 171؛ أَمَلِكُوا عَنِّي هَذَيْنِ يَعْزِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ لِيَلَّا يَنْقَطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ؛ فرمود آثار جنگ را در صفین دیده‌اید در جمل دیده‌اید در نهروان دیده‌اید آنکه نمی‌ترسد منم آنکه از جنگ هراسی ندارد منم آنکه به قلب سپاه حمله می‌برد منم شما مرا به سوختن وادار کردید نه ساختن این شما بودید که صلح کردید و نه من بیش از این تسدیعتان ندهم

سالگرد رحلت رسول اکرم است سالگرد شهادت امام مجتبی (سلام الله علیهما) است این جمله را به عنوان عرض ادب به پیشگاه اهل بیت عصمت و طهارت عموماً بقیه الله (ارواح من سواه فداه) خصوصاً عرض کنم نبی اکرم به امیرالمومنین (سلام الله علیهما) فرمود:؛ 171؛ یا علی اذا انا مت فغسلنی و کفنی و حنطنی و خذ بمجامع کفنی و اقعدنی و سئلنی ما شئت و اکتب ما قلت؛ فرمود علی بعد از اینکه مرا غسل دادی و تکفین و تحنيط کردی اطراف کفن را بگیر مرا بنشان هر چه خواستی بپرس جواب می‌دهم تو یادداشت کن از امام ششم (علیه السلام) پرسیدند آیا امیرالمومنین به این وصیت عمل کرد یا نه فرمود آری به این وصیت عمل کرده است رسول ما انسانی این چنین است در نهج البلاغه قرائت می‌کنیم که امیرالمومنین فرمود:؛ 171؛ ما ضال سمعی هینمة الملائكة؛ یعنی در تمام مدت شستن بدن مطهر رسول اکرم صدای رفت و آمد فرشته‌ها در کنار گوشم طنین انداز بود از گوشم جدا نشد مرتب می‌دیدم فرشته‌ها می‌آیند و فرشته‌ها می‌روند به امیرالمومنین اگر عرض می‌کردند شما چگونه به تنهایی بدن مطهر رسول اکرم را شستشو می‌دادید می‌فرمود هر وقت می‌خواستم یک پهلویی را شستشو بدهم این بدن مطهر خود بخود می‌گشت بدون اینکه زحمتی بر عهده من تحمیل شود امام را معصوم را معصوم تجهیز می‌کند رسول اکرم را تنها کسی که عهده‌دار تجهیزش بود امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب (سلام الله علیه) بود که به منزله جان او بود چه اینکه فاطمه زهرا (صلوات الله و سلامه علیها) را که معصومه بود امیرالمومنین تجهیز کرد وگرنه زنانی چون ام سلمه بودند همسران پیغمبر بودند ولی آنکه لایق باشد بدن مطهر مادر یازده امام را شستشو دهد جز علی احدی نیست امیرالمومنین آن بدن را تجهیز کرد نوبت به امیرالمومنین رسید امام مجتبی (سلام الله علیه) آن بدن را تجهیز می‌کرد هیچ کسی در غسل و شستشوی بدن مطهر امیرالمومنین شرکت نداشت فقط امام مجتبی تنها کاری که حسین ابن علی می‌کرد این بود در آوردن آب کمک می‌کرد امام حسین مگر سالار شهیدان حسین بن علی بن ابی‌طالب احدی شرکت نداشت مگر عباس بن علی (روحی له الفداه) که فقط آب می‌آورد وگرنه بدن مطهر مسموم امام مجتبی را فقط حسین بن علی بن ابی‌طالب شستشو داد

اما لا یوم کیومک یا ابا عبدالله نوبت به سالار شهیدان که رسید حضرتش غسل نداشت تا امام چهارم تغسیلش کند غسلش دهد اما در هنگام دفن کردن بنی اسد که حضور داشتند دیدند امام چهارم فرمود کنار بروید این بدن همانند ابدان دیگر نیست که شما دفنش کنید این بدن را شخصاً باید دفن کنم اگر عرض می‌کردند شما چگونه به تنهایی این بدن بی سر را دفن می‌کنید می‌فرمود:؛ 171؛ ان معی من یعیننی؛ با من کسانی هستند که مرا کمک کنند فقط کسی که بدن مطهر سالار شهیدان حسین بن علی بن

ابی طالب را به قبر سپرد امام سجاد بود و این جزء سنن و آداب دفن است که کفن را از روی صورت مرده باز می کنند و صورتش را روی خاک می گذارند و می گویند عفوک عفوک علی بن حسین وقتی بدن بی سر سالار شهیدان حسین بن علی بن ابی طالب (سلام الله علیهما) را به خاک سپرد چگونه صورت را روی خاک گذاشت خودش می داند و بس ولی بر بالای قبر مطهرش نوشت «؛ هذا قبر حسین بن علی بن ابی طالب الذی قتلوه اطشانا«؛

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلموا الذين اى منقلب ينقلبون نسئلك اللهم و ندعوك باسمك العظيم الاعظم الاعز العجل الاكرم يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله پروردگارا تو را به حق ائمه هداة مهديين دلهای ما را به نور قرآن کریم سخنان معصومین (علیهم السلام) منور بفرما.